

شریک رشد و بالندگی

الهام پنابادی، آموزگار پایه دوم، دبستان پسرانه ناحیه ۱

امام هادی (ع) فرمودند:

«دانشمند و دانش‌آموزنده، در رشد و بالندگی شریکند؛ هر دو مأمور به خیر هستند و هر دو از فریب نهی شده‌اند.»



وقتی درس‌پژوهی برای یک معلم معنا پیدا می‌کند که ابتدا بتواند چند ویژگی را در خود تقویت کند:

۱. صبوری و پذیرش نقد و دیدگاه دیگران و استفاده از آن‌ها برای موفقیت در مفهوم‌سازی یک مطلب به بهترین شیوه ممکن؛
۲. ارتقا ظرفیت خود برای تبدیل شدن از نقش آموزگار به یادگیرنده؛
۳. توانایی بازاندیشی در رفتار خود و خودارزیابی.

با توجه به نکاتی که هم‌کاران و معلمان دیگر مطرح می‌کنند؛ نکاتی که از توجه به تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر، تعامل دانش‌آموز با معلم، نحوه واکنش آن‌ها در پاسخ‌گویی به سوال معلم و ... به دست می‌آید؛ نکاتی که گاهی ناخودآگاه، معلم از آن غافل می‌شود و تنها با کمک و هم‌باری هم‌کاران می‌توان آن‌ها را باز یافت.

ما باید یاد بگیریم که از ایده‌ها و دانش دیگران سود ببریم تا بتوانیم محیطی انعطاف‌پذیر برای دست‌یابی دانش‌آموزان به یادگیری را توسعه دهیم. در روش تدریس خود کمی مکث کنیم؛ حتما روش تدریس بهتری برای آموزش وجود دارد. حال این روش بهتر از کجا پیدا می‌شود؟ از بازاندیشی گروهی. به موجب بازاندیشی، بهسازی در آموزش اتفاق می‌افتد. باید بپذیریم که در کلاس درس، معلم و دانش‌آموز هر دو یادگیرنده هستند. تا فرهنگ مشارکت و گفت‌وگوی حرفه‌ای بین معلمان شکل نگیرد، بهترین فرصت یادگیری برای دانش‌آموزان نیز ممکن نخواهد شد:

یا فایده گیر آن‌چه ندانی ز دگر کس

یا فایده ده آن‌چه بدانی دگری را

هم‌چنین با شنیدن نظرات هم‌کاران و یا حتی ایده‌ها و حرف‌های دانش‌آموزان می‌توان راه‌پوی و خرم آموزش را به یک راه کوتاه‌تر با چشم‌اندازهای دلنشین تبدیل کرد که در آن هم دانش‌آموز و هم معلم هر دو از آموزش و یادگیری لذت ببرند و این همان چیزی است که باید در کلاس درس ظهور کند. پس درس‌پژوهی بستری را برای شنیدن، برای تعامل و در نهایت برای تفکر فراهم می‌کند.

وقتی سخن از تعلیم و تربیت به میان می‌آید، ذهن‌ها متوجه کلاس، معلم و دانش‌آموز می‌شود؛ کلاسی که محلی برای رشد و شکوفایی انسان‌هاست، معلمی که با داستان پر عطف و تشنگان می‌ریزد و دانش‌آموزانی که با دقت مطالب را یاد می‌گیرند و در زندگی به کار می‌برند.

اگر به گذشته نگاه کنیم، در صحنه کلاس، نقش اول از آن معلم بود. دانش‌آموزان ساعت‌ها روی نیمکت‌های چوبی می‌نشستند و مانند یک ماشین تایپ گفته‌های معلم را در ذهن حک می‌کردند و به خانه باز می‌گشتند. کم‌اتفاق می‌افتاد دانش‌آموزی دست خود را بلند کند و از چرایی یا چگونگی مفهومی سوال بپرسد. اما امروزه سخن از تغییر است، سخن از آموزش و یادگیری فعال و مشارکتی است. آموزش با تعامل همراه است. دانش‌آموزان محکوم به سکوت و نشستن بر روی نیمکت نیستند. امروزه در فرایند آموزش، معلم می‌تواند از نظرات، پیشنهادهای و نقدهای هم‌کارانش درباره شیوه معلمی‌اش جويا شود؛ نقاط ضعف و قوت آموزش خود را از لنز دوربین دیگران ببیند و بتواند به رویکردها و راهبردهای جدیدی جهت توسعه و بهبود حرفه‌ای خود دست یابد. امروزه موفقیت در دنیای آموزش با «درس‌پژوهی» عجین شده است. فرایندی که در آن تغییر و اصلاح طرح درس، یک فعالیت فرهنگی تلقی می‌شود و هنر معلمی یک معلم بارها نقد و اصلاح می‌شود و بعد از آن بهسازی و پیشرفت رخ می‌دهد.